

# جناح رسالت اقدامات سرکوبگرانه خود را تشدید می کند!

حاکمیت، یعنی جناح رفسنجانی، است. در این تعرضات و فشارها، که تحت عنوان شعار مبارزه با «لیبرالیسم» به پیش برده می شود، نه فقط برخی از مشاورین برجسته رفسنجانی، نظیر مرتضی الویری و عطاءالله مهاجرانی، بلکه اشخاصی مانند فائزه هاشمی، دختر رفسنجانی، نیز هدف این حملات تبلیغاتی قرار دارند.

به خوبی روشن است که در پشت شعارهای دروغین و فریبنده جناح رسالت، هدف های دیگری نهفته است. در واقع،

ادامه در ص ۶

با پایان یافتن مرحله دوم «انتخابات» و راهپایی ۲۵۵ نماینده (حدود ۹۵ درصد کل نمایندگان) به مجلس، اکنون عدم موفقیت جناح رسالت در تأمین اهداف «انتخابات»ی خود و کسب اکثریت مطلق در مجلس شورای اسلامی بر همگان روشن شده است. این جناح زخم خورده از نتیجه «انتخابات»، به منظور تضمین تحکیم سلطه خود بر ارکان اصلی رژیم «ولایت فقیه»، دست به اقدامات متعددی در دو عرصه زده است. اولین عرصه، تبلیغات پر دامنه و روزافزون همراه با فشارهای معین جناح رسالت علیه جناح رقیب خویش در



شماره ۴۸۰، دوره هشتم  
سال دوازدهم، ۱ خرداد ۱۳۷۵

په هفتاد و نهمین روز جهانی کودکان : «زندگی کودکان در جهان سرمایه داری»

در صفحات ۵ و ۴

## نظامی کردن حیات کشور به سود کیست؟

نظامی کردن شئون گوناگون جامعه از سوی رژیم به یکی از جدی ترین و مهم ترین مسایل در میهن ما بدل شده است. گرایش فزاینده در این زمینه ابعاد گسترده ای یافته است که می تواند پیامدهای خطرناک و مرگباری را به دنبال داشته باشد.

رژیم «ولایت فقیه»، درمانده از سازندگی و آبادانی کشور، و ناتوان از حل مسایل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی جامعه و برآوردن ابتدایی ترین نیازهای توده های مردم، با سرعت و شتاب به سوی گسترش و آماده سازی نیروهای مختلف نظامی خود و به طور کلی نظامی کردن حیات کشور گام بر می دارد.

در اوایل دی ماه سال ۷۴، هاشمی رفسنجانی، پس از بازدید از نمایشگاه موسوم به «فتح» متعلق به سپاه پاسداران، در مراسم عقد قرارداد میان وزارت کشاورزی و سپاه پاسداران شرکت کرد. در حضور وی، عیسی کلانتری وزیر کشاورزی، قرارداد همکاری با محسن رضایی، فرمانده سپاه پاسداران، را امضاء کرد. این قرارداد شامل چند بخش، از جمله مشارکت وزارت کشاورزی و سپاه برای احداث ۱۴ واحد کشت و صنعت در مرزهای مختلف کشور است. در این مشارکت، وزارت اطلاعات نیز به نوعی سهم خواهد بود.

نکته مهم در اینجا، دخالت دادن ارگان ها و نهادهای نظامی و امنیتی رژیم در امور اقتصادی جامعه است. بر اساس این قرارداد، واحدهای کشت و صنعت در نوار ۵۰

ادامه در ص ۳

کشمکش اروپا و آمریکا در مورد تحریم اقتصادی ایران برسر چیست؟  
مراسم اول ماه مه در جهان  
در ص ۸  
در ص ۷

## جبهه واحد ضد دیکتاتوری ضرورت درنگ ناپذیر شرایط حساس و حاد کشور

چنین جبهه ای دلالت می کند. ادامه روند تعمیق بحران اجتماعی - اقتصادی که در هفته های اخیر با افزایش قیمت ارزاق و مایحتاج عمومی از جمله نان، فشار کمزشکن اقتصادی را بر اکثریت محروم و زحمتکش مردم ما افزایش داده است، در کنار ادامه روند مخرب بسته شدن و نابودی بسیاری از صنایع کشور و افزایش تعداد بیکاران و تعمیق فقر و محرومیت، از یک سو، و تشدید برخوردهای درونی رژیم که در جریان برگزاری پنجمین دوره «انتخابات» مجلس شورای اسلامی منجر به از هم پاشیده شدن ائتلاف دو گروه رسالت (حجتیه) و طرفداران رفسنجانی شد، از سوی دیگر، حاکمیت رژیم «ولایت فقیه» را بیش از پیش در بحران همه جانبه سیاسی فرو برده است، و ثبات و پایداری رژیم را بیش از پیش تضعیف کرده است.

در میان دو گروه حاکم، گروه «رسالت» و یا بهتر بگوئیم گروه نمایندگان کلان سرمایه داری تجاری که نمایندگی بخش اساسی روحانیت را نیز عهده دار است، معتقد است که در شرایط حاضر تنها راه نجات رژیم جمهوری اسلامی در تشدید اختناق، سرکوب و از سر راه برداشتن تمامی مخالفان و دگراندیشان، چه مذهبی و چه غیر مذهبی، است. این گروه بخش عمده سپاه، نیروهای بسیج، وزارت اطلاعات و سایر ارگان های سرکوبگر را در اختیار دارد و تهدیدهای محسن رضایی درست قبل از برگزاری دومین مرحله «انتخابات» مبنی بر دخالت سپاه، نشانه روشنی از

ادامه در ص ۳

پنجمین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران ضمن بررسی همه جانبه اوضاع کشور، به این جمع بندی مهم رسید که: «کشور ما به یک تحول بنیادین، که عرصه های گوناگون زندگی مردم را در برگیرد، نیازمند است... امروز در ایران به دلیل سیاست ها و عملکردهای ضد مردمی رژیم، رشد و تعمیق همه جانبه بحران اقتصادی - اجتماعی که تمامی حیات جامعه را فرا گرفته است و میلیون ها انسان را به شکل بی سابقه ای به ورطه فقر، محرومیت و زندگی در شرایط بسیار دهشتناکی کشانده است، مدتهاست شرایط عینی مساعد وجود داشته و دارد. عاملی که در شرایط حاضر کمبود آن به شدت احساس می شود، عامل ذهنی، یعنی تشکل، سیاست صحیح و عملکرد درست و پیگیر نیروهای راستین مدافع منافع مردم و توده های زحمتکش است که بتواند مرکز مشخص مبارزه در مقابل رژیم استبداد را برپا کند. بر اساس چنین درکی است که حزب توده ایران مدتهاست بر ضرورت وحدت و همکاری و همیاری نیروهای مترقی و آزادی خواه کشور، برای ایجاد یک جبهه واحد در مقابل استبداد کنونی پای فشاری کرده است... از آنجائیکه نخستین و مهمترین وظیفه چنین جبهه ای برجیدن بساط رژیم استبدادی کنونی است، مهمترین خصلت، ضد دیکتاتوری بودن آن است...» («نامه مردم» شماره ۴۷۰ - ۱۲ دی ماه ۱۳۷۴).

تحولات ایران در ماه های اخیر بیش از پیش بر درستی این ارزیابی و ضرورت درنگ ناپذیر تشکیل

## با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

### برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی، و طرد رژیم «ولایت فقیه»!





### استقرار ۱۰۰ هزار سرباز ترکیه در مرز ایران

رادیو «بی. بی. سی» در برنامه خود به زبان ترکی گزارش داد که به دنبال تعیین «ایران به عنوان یک هدف» در اجلاس شورای امنیت ملی ترکیه، ارتش آن کشور کار تمرکز دادن نیروهای خود در نواحی مرزی ایران را آغاز کرده است. «بی. بی. سی» همچنین اعلام کرد که در حال حاضر ۱۰۰ هزار سرباز ترکیه در امتداد مرزهای ایران مستقر شده اند. در همین حال، اقداماتی نیز برای استقرار یک سیستم رادار و ساختن باند هانی برای فرود هواپیماها در مجاورت مرزهای ایران در دست انجام است. چند روز بعد از این گزارش، منابع خبری جمهوری اسلامی گزارش دادند که نخستین مرحله مانور بزرگ «عاشورا» با حضور ۱۵ گردان، در چهار شهر ارومیه، ماکو، سلماس و خوی، برگزار خواهد شد. خبرگزاری چین نیز به نقل از ناظران سیاسی مقیم ایران نوشت که به نظر می رسد جمهوری اسلامی پس از امضای قرارداد «دفاعی-امنیتی» میان ترکیه و اسرائیل، موضع سختی نسبت به ترکیه اتخاذ کرده است.

### گران شدن بی سابقه قیمت نان و دیگر کالاها

در پی گران شدن ناگهانی بهای انواع نان، و به دنبال انعکاس اعتراضات مردم به آن در روزنامه های مختلف، وزارت بازرگانی جمهوری اسلامی طی

اطلاعیه ای افزایش حدود «۳۰ درصد» بر نرخ نان را تأیید کرد و آن را ناشی از «بالارفتن هزینه های سوخت و کارگر» اعلام نمود. این اطلاعیه زمانی منتشر شد که سخنگوی «شورای دولتی ارد و نان» رسماً اعلام کرد که از «یک هفته پیش افزایش قیمت نان به میزان ۳۰٪ به نانوایی ها ابلاغ شده است». خبرگزاری رویتر به نقل از روزنامه ها و دیگر منابع خبری جمهوری اسلامی، افزایش بهای نان را «دست کم ۵۰٪» و قیمت انواع آن را ۱۳۵ تا ۳۰۰ ریال اعلام داشت. همچنین، روزنامه «سلام» فاش ساخت که حدود سه ماه پیش، تعیین قیمت ۱۵ قلم از کالاهای اساسی (کره، پنیر، صابون، لاستیک خودرو، ... و...) از کنترل دولت خارج و به بخش خصوصی واگذار شده است. و بالاخره این که، وزیر بازرگانی گرانی شدید انواع آهن آلات را نیز تأیید کرد و علت آن را «کمبود تولید و توزیع نادرست» دانست.

### گسترش فعالیت «ائتلاف گروه های خط امام»

نمایندگان «ائتلاف گروه های خط امام»، که با شرکت «سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی»، «انجمن اسلامی جامعه بزرگی ایران»، «انجمن اسلامی مدرسن دانشگاه ها» و «انجمن اسلامی معلمان» در آستانه پنجمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی تشکیل شد، طی یک کنفرانس مطبوعاتی نظرات خود را پیرامون انتخابات اخیر بیان داشتند. سلامتی، دبیرکل «سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی» در این کنفرانس اعلام کرد که ۵۴ تن از «نامزدهای گروه ائتلاف خط امام» به مجلس راه یافته اند. وی متوسط آرای کاندیداهای اختصاصی ائتلاف مذکور در تهران را ۲۶۵ هزار رأی ذکر کرد و تأکید نمود که «این میزان با توجه به رکود سیاسی این گروه در چهار ساله اخیر، بسیار چشمگیر است». همچنین، ائتلاف مذکور در بیانیه ای به مناسبت اتمام برگزاری انتخابات، با بیان این نکته که «هیچ جناحی در مجلس پنجم حائز اکثریت مطلق نخواهد بود»، بر «ضرورت انسجام این نمایندگان» و «ندوین دیدگاه های مشترکشان» تأکید نمود. در این بیانیه آمده است که این ائتلاف «برای ترسیم نقش جناح خط امام در آینده سیاسی کشور و به خصوص انتخابات آینده ریاست جمهوری» به فعالیت

خود ادامه خواهد داد. «بیانیه مذکور در پایان، «سایر گروه های همسورا که در ائتلاف شرکت نداشته اند» به همکاری دعوت کرده است و از «مجمع روحانیون مبارز» خواسته است تا مجدداً در صحنه سیاسی کشور حضور یابد.

### تعاونی های مرزنیسان در آستانه انحلال

خلیجی، رییس اتحادیه تعاونی های مرزنیسان کشور، اعلام کرد که با محدودیت های قانون صادرات و واردات و بخشنامه های بانک مرکزی و وزارت بازرگانی، این تعاونی ها در آستانه انحلال قرار گرفته اند. وی افزود که با تصویب قانون صادرات و واردات در سال ۷۳، که افلام کالاهای وارداتی شرکت های تعاونی مرزنیسان را از ۴۴ قلم در قانون قبلی به ۲۲ قلم کاهش داد، فعالیت شرکت های مذکور طی دو سال گذشته متوقف شده و سرمایه های این تعاونی ها به مبلغ ۶/۶ میلیارد ریال در بانک ها راکد مانده است. نامبرده تعداد شرکت های تعاونی مرزنیسان را ۷۸ شرکت با یک میلیون و ۳۲۰ هزار عضو در استان های بوشهر، خوزستان، فارس، هرمزگان و سیستان و بلوچستان ذکر کرد. خلیجی گفت که به رغم وعده های مسؤولان کشور، تاکنون هیچ اقدامی برای رفع این معضل صورت نگرفته است.

### کاهش صادرات محصولات صنعتی، معدنی و فلزی

به دنبال تغییر سیاست های ارزی دولت و «تثبیت» نرخ ارز، صادرات کالاهای صنعتی و محصولات معدنی و فلزی کشور نسبت به سال ۷۳ به میزان قابل توجهی کاهش پیدا کرده است. وزارت صنایع اعلام کرد که «از آغاز سال ۷۴ تا پایان بهمن ماه سال گذشته، بیش از ۷۱۰ میلیون دلار از کالاهای صنعتی - تولیدی واحدهای تحت پوشش این وزارتخانه به خارج صادر شده است». این میزان نسبت به مدت مشابه در سال ۷۳، ۱۲ درصد کاهش نشان می دهد. همچنین، محلوجی، وزیر معادن و فلزات، میزان صادرات محصولات و فراورده های معدنی و فلزی در سال ۷۴ را معادل ۴۲۰ میلیون دلار اعلام کرد که نسبت به ارزش صادرات این محصولات در سال ۷۳ (۶۲۰ میلیون دلار) حدود ۳۲ درصد کاهش نشان می دهد.

## دعوت از زنان به ادامه مبارزه و مقاومت

زنان معترض به نابرابری های حقوقی زن و مرد از جمله این بازندگان هستند». نویسنده با تأکید بر اهمیت افزایش آرای زنان، که وی آن را ناشی از «تجدید نظر مردم ایران در باورهای کهن و سنتی» می داند، زنان نماینده را به دفاع بدون واهمه از حقوق زن و شرکت فعال در برنامه ریزی ها و تصمیم گیری های اقتصادی و سیاسی دعوت می کند و از زنان می خواهد که از جمله با نوشتن نامه های اعتراضی به مجلس و طرح شکایات خود، به مقاومت و پایداری برای کسب حقوق برابر دست زنند. او معتقد است که «اعلام خواسته ها، حتی اگر به تأمین آنها منجر نشود، موضوع حقوق زن را که بحرانی جدی است، به بحث می گذارد». نویسنده در پایان چنین نتیجه می گیرد که «اگر ... نهادهای قانونگذاری کشور مجموعه های قوانین را با هدف تأمین برابری حقوق زن و مرد مورد بازنگری قرار ندهند، این ملت توانایی لازم برای گذار از قرن بی به قرن دیگر را در خود نخواهد یافت».

و ما اضافه می کنیم این امر در توان نهادهای قانونگذاری رژیم ضد مردمی نیست. مبارزه زنان برای دست یابی به حقوق انسانی و مدنی خود اصلی است ضروری، حیاتی، تعطیل ناپذیر و تعیین کننده سرنوشت زنان محروم و بی حقوق میهن ما.

مجاهدین انقلاب اسلامی نسبت یک پانزدهم را برای حضور زنان در لیست های نامزدی خود پذیرفته اند. چنان که می بینیم، نسبت ها از کمال مطلوب بسیار دور است».

طبق آمار ارائه شده از سوی نویسنده مقاله، «در ۲۵ استان کشور مجموعاً ۱۹۶ حوزه انتخاباتی وجود داشته است که در ۱۱۴ حوزه انتخابیه شهرستان ها، اساساً، نام هیچ زنی به چشم نمی خورد که بسیار نگران کننده است». به نظر نویسنده، از آنجا که هیچ «مانع قانونی برای مشارکت سیاسی زنان وجود ندارد»، باید، علت این مسأله را «صرفاً اعمال سلیقه های شخصی» دانست: «به نظر می رسد که نیروهای سیاسی مخالف با حضور زنان در این حوزه های انتخابیه فرصت های لازم را در اختیار زنان نگذاشته و راه را بر آنها بسته اند». واقعیت نیز این گفته نویسنده را تأیید می کند. علی رغم تعداد بسیار بیشتر کاندیداهای زن در دوره پنجم انتخابات در مقایسه با دوره های گذشته، تعداد کل زنان انتخاب شده تنها یک نفر بیشتر از دوره چهارم مجلس، یعنی تنها ۱۰ نفر، بوده است. به گفته نویسنده، «... ادامه وضع موجود باعث می شود که مدافعان برابری و آزادی احساس کنند که بدون آن که اجازه ورود به بازی را داشته باشند، بازی را باخته اند! انبوه

مجله «زنان»، چاپ تهران، در آخرین شماره خود در مقاله ای به قلم «مهرانگیز کار»، گزارشی تحلیلی از حضور زنان در انتخابات اخیر منتشر کرد. در مقدمه این مقاله آمده است: «... اکنون، به خوبی روشن شده است که مشارکت سیاسی زنان در امر حساس قانونگذاری به رأی دادن و رأی گرفتن محدود نمی شود، بلکه در گستره وسیعی میسر می شود که در وضع موجود، از آن گستره ناشانی نمی یابیم». نویسنده، با توجه به اختیارات وسیع شورای نگهبان در امر نظارت بر انتخابات و نزدیکی دیدگاه نامزدهای تأیید شده از سوی آن، اعم از زن و مرد، به ویژه «در مقوله حساس و مهم حقوق زن»، در انتقاد به کسانی که افزایش کمی نامزدهای زن را بدون توجه به کیفیت حضور آنها مورد تأکید و تبلیغ قرار می دهند، می پرسد در این انتخابات «سخنگویان زنان سایر طرف ها و گرایش ها و دیدگاه های سیاسی که با سیاست های رسمی، به خصوص در زمینه حقوق زن، سازگار نیستند، کججا بودند؟» وی در رابطه با جگونگی برخورد «چهار جمعیت و سازمان طرفدار نظام» به مسأله شرکت زنان در انتخابات می نویسد: «جامعه روحانیت مبارز نسبت یک ششم، جمعیت دفاع از ارزش های انقلاب اسلامی نسبت یک ششم، سازمان کارگزاران سازندگی ایران نسبت یک ششم و سازمان



## ادامه: جبهه واحد ضد دیکتاتوری ...

توان و امکانات این گروه در کنترل تمامی ارگان های سرکوب است. تاکتیک گروه «رسالت»، طرح شعارهای عوام فریبانه «عدالت اجتماعی» و «دفاع از محرومان» و در عین حال تأکید بر ضرورت ادامه حاکمیت روحانیت و «ولایت فقیه» به مثابه کلیدی ترین استراتژی حفظ ساختار پوسیده و ضد مردمی کنونی است.

در مقابل این گروه، طرفداران رفسنجانی که بخش عمده ای از سرمایه داری بوروکراتیک نوین ایران را (بخش عمده ای از هیأت دولت، معاونان وزراء، کارمندان عالی رتبه دولتی و...) نمایندگی می کنند، در ماه های اخیر با درک وخامت اوضاع و حساسیت شرایط کشور، چه از نظر اوج گیری نارضایتی توده های وسیع و چه از نظر خارجی و فشار کشورهای امپریالیستی از جمله و خصوصاً کشورهای اروپایی، برای عادی سازی اوضاع به ویژه در عرصه سیاست خارجی، به این نتیجه رسیده اند که می بایست برای جلوگیری از انفجار اجتماعی، از فشارها کمی کاست تا بتوان موقعیت رژیم را تثبیت کرد. به عبارت دیگر همان سیاستی را مجدداً پیاده کند که مجموعه حاکمیت پس از مرگ خمینی برای دورانی اعمال کرد و با تظاهر به «رفرم» و کم کردن فشار (از جمله کم کردن مزاحمت ها برای زنان، اجازه دادن به انتشار نشریات مستقل و...) توانست پایه های سیاسی خود را تقویت کند، مخالفان مذهبی «رادیکال» را از مجلس بیرون باندازد و روند تشدید استثمار و فقر و محرومیت در کشور را از طریق بازگرداندن دست سرمایه داران بزرگ و تحمیل سیاست «تعديل اقتصادی» تأمین کند. این سیاست با اوج گیری جنبش مردمی و از جمله قیام های خونینی که در مشهد، شیراز، قزوین و سایر نقاط کشور علیه رژیم رخ داد، با توافق و برنامه ریزی هردو گروه متوقف شد و زیر شعار «مقابله با تهاجم فرهنگی غرب» سرکوب و خفقان شدید، دستگیری های وسیع و موج مجدد اعدام سراسر کشور را فرا گرفت و پرده از چهره واقعی «رفرم» مورد نظر سران رژیم «ولایت فقیه» برداشته شد. ده ها هزار مردم جان به لب رسیده ای که در خیابان ها شعار «مرگ بر جمهوری اسلامی» را سر می دادند از سوی خامنه ای، رفسنجانی و دیگر سران حاکمیت «اراذل و اوباش» توصیف شدند و دست نیروهای امنیتی و جاقو کشان «حزب الله» برای هرگونه اقدام سرکوبگرانه از جمله به دار کشیدن مخالفان در ملا عام بازگذاشته شد.

نکته اساسی در شناخت تاکتیک ها و با بهتر بگوئیم بازی های سیاسی که هردو جناح حاکمیت در ماه های اخیر سازماندهی کرده اند، این است که هردو گروه خواهان حفظ شرایط کنونی و آنچه که خود «نظام جمهوری اسلامی» می نامند هستند و هردو گروه نیز نشان داده اند که برای پیشبرد این برنامه حاضرند به هر دروغ، فریب و جنایتی دست بزنند. از این رو اتفاقی نیست که افرادی مانند عسگر اولادی، خاموشی، بادامچیان، آذری قمی، که همگی از «بازاریان محترم» و کسانی هستند که میلیاردها تومان ثروت کشور را از طرق مختلف به غارت برده اند، امروز ناگهان به طرفداران اروپا قرص عدالت اجتماعی و دفاع از محرومان بدل شده اند و گروه طرفداران رفسنجانی که دست در دست عسگر اولادی ها، ناطق نوری ها، مهدوی کنی ها، رضایی ها، فلاحیان ها و

خامنه ای ها دستشان در خون هزاران مبارز راه آزادی آغشته است، امروز به طرفداران «آزادی» بدل شده اند.

تجربه تاریخی هم در کشور ما و همه کشورهای که سال های طولانی در چنگال استبداد و دیکتاتوری اسیر بوده اند، نشان می دهد که هیچ حکومت استبدادی حاضر نیست اهرم های قدرت را در یک روند خود به خودی و از سر دلسوزی برای منافع مردم و کشور تحویل دهد و از اریکه قدرت پایین آید. رژیم شاه وقتی «پيام انقلاب مردم» را شنید که صدها هزار نفر از مردم در شهرهای گوناگون به اعتراض، اعتصاب و مبارزه علیه آن مشغول بودند و به عبارت دیگر کنترل امور از دست حکومت خارج شده بود. در شرایط کنونی نیز تصور نجات ایران از دست دیکتاتوری و استبداد به دست افرادی مانند «رفسنجانی» تصوری است که تنها از سوی طرفداران رژیم دامن زده می شود و هدفی را جز تضعیف روند اتحاد نیروهای مترقی و جلوگیری از ایجاد یک آلترناتیو واقعی و مترقی دنبال نمی کند. در ماه های اخیر درک ضرورت ایجاد یک جبهه وسیع مردمی در بین نیروهای اپوزیسیون هم در درون و هم در بیرون از کشور رشد کرده است. در ایران بخش هایی از نیروهای ملی اتحادی از چهار حزب را پایه گذاری کرده اند، و در خارج از کشور نیز تلاش هایی برای بسط و گسترش همکاری ها میان نیروهای گوناگون در جریان است.

حزب توده ایران، معتقد است تا هنگامی که نیروهای آزادی خواه و مترقی نتوانند یک ستاد مشترک مبارزاتی را علیه رژیم استبدادی کنونی سازمان دهی کنند، نمی توان یک جنبش سراسری مردمی و مترقی در درون کشور را پایه ریزی کرد و زمینه را برای تحول بنیادین در ایران مهیا نمود.

سازماندهی این امر خطیر امروز مهم ترین وظیفه همه نیروهایی است که به آزادی ایران از بندهای استبداد می اندیشند. مبارزه اجتماعی و سازماندهی یک جنبش توده ای محتاج کار با حوصله، دقیق و هدفمند است. مبارزان داخل کشور، امروز به دلیل رشد بی سابقه نارضایتی توده ها و تمایل اکثریت عظیم مردم به تغییر شرایط کنونی، با توان بالقوه عظیم روبرو هستند که در صورت تبدیل بالفعل آن می توان به استبداد کنونی حاکم بر مین ما، پایان داد. راه دست یابی به این تبدیل، سازماندهی مبارزه توده ای علیه رژیم استبدادی است.

ما بار دیگر از همه نیروهای ملی، مترقی و آزادی خواه کشور که خواهان پایان دادن به رژیم «ولایت فقیه» و استقرار آزادی، عدالت اجتماعی، استقلال و دموکراسی هستند، دعوت می کنیم تا با کنار گذاشتن اختلافات مخرب که ثمری جز تأمین تداوم حکومت استبدادی کنونی نداشته است، تلاش های خود را برای ایجاد یک جبهه واحد ضد دیکتاتوری تشدید کنند. نیروهای چپ ایران، نیروهایی که در دفاع از حقوق کارگران، و اکثریت محروم زحمتکش مبارزه می کنند، می توانند و باید نقش مهمی را در این روند ایفاء کنند.

## نظامی کردن حیات ...

تا ۱۰۰ کیلومتری مرزهای کشور برپا خواهند شد. قرار است در فاز نخست، ۲۰۰ هزار هکتار و در فازهای دوم و سوم جمعاً ۵۰۰ هزار هکتار از زمین های کشور تحت پوشش این کشت و صنعت های نظامی قرار گیرند.

رفسنجانی پس از امضای قرارداد مزبور، از جمله گفت: «این همکاری یک اقدام مهم امنیتی - سیاسی و اقتصادی است». وی همچنین اضافه کرد که «با احداث این کشت و صنعت ها در مناطق مرزی، برای نیروهای حزب اللهی ایجاد اشتغال خواهیم کرد».

نظیر اینگونه اقدامات در شکل های دیگر - مانند مشارکت سپاه پاسداران به عنوان پیمانکار و سرمایه گذار در احداث سد ها، راه ها و کارخانه ها، و مشارکت و خرید سهام از سوی وزارت اطلاعات و دیگر نهادهای مشابه در شرکت ها و کارخانه ها - در سال های اخیر مکرراً به اجرا درآمده است.

سیدعلی خامنه ای نیز در دیدار اخیر خود از استان مازندران، بر دخالت دادن هرچه بیشتر سپاه و بسیج در امور اقتصادی و اجتماعی تأکید ویژه ای کرده بود.

این دخالت های نهادهای نظامی و امنیتی علاوه بر این که به یکی از عوامل فساد اداری و مالی در جمهوری اسلامی بدل شده است، در عین حال نشانه نقش روزافزون ارگان های اطلاعاتی، امنیتی و نظامی رژیم در سیاست گذاری ها و برنامه ریزی ها و دخالت روزافزون آنها در امور سیاسی و اقتصادی کشور است. این دخالت ها برای آینده کشور و به ویژه برای یکپارچگی ارضی و ملی میهن ما خطری جدی به شمار می روند.

تحولات سال های اخیر در کشورهای همجوار که وزن مخصوص نیروهای نظامی در حیات اجتماعی آنها بالا بوده است، در کنار تعدد مراکز و ارگان های نظامی در درون حکومت جمهوری اسلامی، که هر کدام مستقلانه و در رقابت با یکدیگر عمل می کنند، انباشت خطرناک سلاح ها به مقدار زیاد در سطح کشور، گسترش نارضایتی وسیع همگانی که با سرکوب و ترور پاسخ داده می شود، و دیگر شرایط از این نوع، همگی زمینه های آن خطر عینی است که نظامی شدن فرایند حیات کشور در پی دارد.

برخلاف دعوی رفسنجانی و دیگر سران حکومت، باز گذاشتن دست و دخالت دادن نیروهای امنیتی و نظامی، مانند سپاه پاسداران و بسیج و وزارت اطلاعات، در حیات اقتصادی و سیاسی کشور، نه تنها به سود برقراری امنیت، تأمین صلح و حفظ و حراست از مرزها نیست، بلکه باعث تضعیف امنیت ملی و زمینه ای برای رویارویی جدی با توده های مردم و خواست های واقعی آنها است. رژیم در این کار تنها هدف حفظ و تداوم سلطه خود را دنبال می کند.

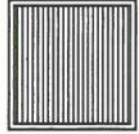
حزب توده ایران بارها، از جمله در اسناد مصوب پلنوم پنجم خود، خطرات چنین سیاست های ضد مردمی رژیم، از جمله خطر ایجاد جنگ داخلی، را یادآور شده است و با صراحت آن را محکوم کرده است. به اعتقاد حزب ما، نظامی کردن حیات کشور در نهایت به فاجعه ای بس بزرگ منجر خواهد شد که تنها امپریالیسم و نیروهای ارتجاعی از آن سود خواهند برد.

آزادی برای همه زندانیان  
سیاسی ایران!



په سناسپت روز جهانی کودک

# زندگی کودکان در جهان سرمایه داری



در اواخر سال گذشته میلادی ۱۹۹۵ یونیسف، وابسته به سازمان ملل متحد، گزارشی را پیرامون شرایط و وضعیت کودکان در خلال جنگ ها و درگیری های نظامی طی دهسال گذشته در سراسر جهان انتشار داد. این گزارش، بیانگر زندگی و سرنوشت دردناک کودکان در گوشه و کنار جهان می باشد. در این گزارش از جمله آمده است: «در جنگ های گوناگون در ده سال گذشته در تمام نقاط درگیری، ۲ میلیون کودک قربانی شده اند؛ ۴ تا ۵ میلیون کودک دچار نقض عضو گردیده اند؛ ۱۲ میلیون کودک آواره و بی خانمان و ۲۰ میلیون کودک دیگر یتیم و بی سرپرست گشته اند؛ ۱۰ میلیون کودک نیز گرفتار ناراحتی و اختلالات روانی و روحی شده اند و زندگی و آینده آنها تیره گردیده است...».

در بخش دیگری از این گزارش یونیسف آمده است که: «رواج و تولید سلاح های سبک در کنار فقر، باعث کشته شدن کودکان به جنگ ها هستند. کودکان در ازای دریافت غذا و لباس، به جنگ و رویارویی نظامی کشیده می شوند». همچنین، در نخستین ماه های سال جاری میلادی، سازمان ملل متحد سال ۱۹۹۶ را سال جهانی مبارزه با فقر اعلام کرد. آقای لئوناردو دسیویی، گزارشگر کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل در یک کنفرانس مطبوعاتی در ژنو به مناسبت اعلام سال جهانی مبارزه با فقر، گفت: «... حدود ۱/۵ تا ۲ میلیارد نفر در جهان در فقر کامل به سر می برند و این اوضاع به سرعت و روز به روز وخیم تر می شود». وی همچنین خاطر نشان ساخت: «بر شمار این فقرا (که نام «فقیران مطلق» بر آنان اطلاق می شود) سالی ۲۵ میلیون نفر افزوده می شود». طبق آمار سازمان ملل متحد، یک پنجم از جمعیت جهان، با درآمدی حدود یک دلار در روز زندگی و گذران می کنند.

آنچه در گزارش مطبوعاتی نماینده سازمان ملل برجسته و چشمگیر بود عبارت است از قربانیان اصلی «فقیران مطلق». به گفته مسوولین سازمان ملل: «کودکان قربانیان اصلی این شرایط می باشند. در حدود ۱۳۰ میلیون کودک که بیشتر آنها دختران هستند به مدرسه نمی روند و به همین دلیل آینده سیاهی در انتظار آنهاست، در آمریکای لاتین شمار کودکان یتیم و بی پناه که اصطلاح ولگرد به آنها داده شده بالغ بر ۴ میلیون نفر است این آمار در قاره پهناور آسیا به ۲۵ میلیون و در آفریقا به ۱۰ میلیون نفر بالغ می شود».

برای همه کسانی که این گزارش را می خوانند، این پرسش مهم مطرح می شود که علل و عوامل چنین مصیبت عظیمی که گریبانگیر جامعه بشری شده است: چیست؟ دلایل این فاجعه کدام است؟

پاسخ های متفاوتی می توان برای این پرسش

ها جستجو کرد، پدید آورندگان فقر و جنگ را می توان، تولید کنندگان سلاح های کشنده، سوداگران آرمند، جنگ افزار و غیره تصور کرد اما بی شک پاسخ روشن و دقیق عبارت خواهد بود از اینکه علت اصلی و واقعی، سیستم بی رحم و ضد انسانی سرمایه داری است. که بشریت را به سوی فقر و جنگ می کشاند. کودکان سازندگان فردای جامعه بشری و آینده سازان بر امید سیاره ما می باشند. حفظ و حراست از حقوق آنها، تضمین رشته، اشتغال و تحصیل و در یک کلام آینده مناسب برای آنها، بر عهده جامعه امروزی بشر است. اما متأسفانه، جهان کنونی، شاهد یکی از بی رحمانه ترین انواع رفتار با کودکان است، پایمال کردن حقوق کودکان در ابعادی بسیار گسترده تر از گذشته، به پدیده ای نگران کننده در جهان معاصر بدل شده است.

از هنگام تشکیل بزرگ ترین کنفرانس سازمان ملل متحد در زمینه حقوق کودکان در کشور سوئد در سال ۱۹۹۰ تا به امروز، علی رغم تصویب کنوانسیون حقوق کودک، هیچ اقدام عملی و ملموس برای اجرای مفاد کنوانسیون از سوی امضاء کنندگان آن، به ویژه کشورهای پیشرفته سرمایه داری، صورت نگرفته است.

مفاد کنوانسیون حقوق کودک از جمله مترقی ترین قوانین موجود در جهان می باشد. این کنوانسیون شامل یک مقدمه و دو بخش اصلی است. در بخش اول ۴۱ مورد از حقوق کودک شرح داده شده و در بخش دوم چگونگی اجرای بیمان و تعهدات اعضاء و امضاء کنندگان به وضوح قید گردیده است. در کنوانسیون مزبور از جمله موارد زیر به روشنی بیان شده است: «... کودک حق دارد زنده بماند، تحصیل کند، نام و ملیت داشته باشد، مورد حمایت قرار بگیرد در برابر شکنجه جسمی و فیزیکی مصون باشد و از آن شکایت نماید. کسی حق خرید و فروش کودک را ندارد. در جنگ های مسلحانه نباید درگیر و دخالت داده شود. کودک نباید اعدام و زندانی شود. نباید مورد تجاوز و سوء استفاده جنسی قرار گیرد. کودک حق دارد از هر عاملی که مانع تحصیل و سلامت جسمی و روحی او باشد در امان بماند. کودک حق بازی، تفریح و مراقبت درمانی و بهداشتی را داراست و باید از محبت و مهربانی پدر و مادر برخوردار شود. دولت ها و حکومت ها موظف هستند از حق کودکان دفاع کنند. تنبیه کردن، توهین و تحقیر شخصیت کودک اکیدا ممنوع است...» و مواردی دیگر از حقوق کودکان. اما امروزه، جامعه بشری شاهد نقض مکرر و خشن این مفاد می باشد.

این سلسله قوانین و قرارها، نظیر بسیاری از کنوانسیون های مترقی سازمان ملل متحد نادیده گرفته و پایمال می شود.

برپایه گزارشات متعدد سازمان ملل و یونیسف، کشورهای پیشرفته سرمایه داری در اروپای غربی و آمریکا، رفتار کاملاً عوام فریبانه و ریاکارانه در زمینه

حقوق کودکان دارند. علی رغم ادعاهای گوناگون محافل حاکمه این کشورها و سرمایه داران بزرگدر کشورهای پیشرفته سرمایه داری نیز حقوق کودکان به اشکال گوناگون زیر پا گذاشته می شود. بر اساس گزارش یونیسف، استثمار و بهره کشی کودکان ۶ تا ۱۲ ساله در هند به ویژه توسط شرکت های خصوصی و انحصارات فراملیتی ابعاد فاجعه باری به خود گرفته است. یونیسف گزارش می دهد که: «۱۸ میلیون کودک در سنین ۶ تا ۱۲ ساله در هند مورد بهره کشی وحشیانه قرار دارند».

کودکان به دلیل عدم آشنایی با قوانین کار، عدم استفاده از تامین و خدمات اجتماعی فرمانبردار بودن و دریافت دستمزد پایین طعمه های خوبی برای سرمایه داران و انحصارات بین المللی هستند.

امروزه در سطح جهان، میلیون ها کودک در شرایط ناگوار غیر استاندارد به کار اشتغال دارند. براساس آمار موجود: ۹/۵ میلیون کودک در بنگلادش، ۱/۵ میلیون در ترکیه، ۳ میلیون در اندونزی، ۱۴۴ هزار در اسپانیا، ۱۱۵ هزار نفر در ایتالیا، ۲۰ هزار در اتریش، ۹۶ هزار در فرانسه، ۳۳۸ هزار در آمریکا و بیش از ۱ میلیون در مصر، تحت شرایط ظالمانه به کار مشغول هستند. کودکان در بولیوی- آرژانتین، شمال آفریقا و کشورهای جنوب خاوری آسیا مهم ترین، کم خرج ترین و مطیع ترین بخش نیروی کار شرکت های بزرگ و انحصارات امپریالیستی را تشکیل می دهند.

آمار مربوط به میهن ما، دقیق و روشن نیست. طبق آمار رسمی رژیم «ولایت فقیه»، فقط در سال ۱۳۶۵، ۸۱۴ هزار کودک ایرانی، مشغول به کار بوده اند. بی شک آمار واقعی کار کودکان مظلوم میهن ما بیش از آن چیزی است که رژیم انتشار داده است.

بر پایه برآورد «انستیتیوی پژوهش های استکهلم» از آغاز تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر تا به امروز، کشورهای موسوم به جهان سوم، ۱۸ میلیون کشته داشته اند که ۱۰ میلیون نفر آن شامل غیر نظامیان و اغلب زنان و کودکان بوده اند. امپریالیسم با برافروختن جنگ های خانمانسوز، مسبب اصلی این کشتار انسانی کم نظیر در جهان می باشد.

مرکز پژوهشی دانشگاه ورمونت ایالات متحده آمریکا و همچنین گزارش مرکز بررسی اقتصادی خاورمیانه اعلام کرده اند که در طول جنگ ۸ ساله ایران و عراق، ۳۵ کشور امضاء کننده اعلامیه جهانی بشر و کنوانسیون حقوق کودک، چیزی بیش از ۴۰۰ میلیارد دلار جنگ افزار به دو طرف مخاصمه فروخته اند و سود هنگفتی را به جیب زده اند. در طول جنگ ایران و عراق، صدها هزار کودک قربانی شدند. سران رژیم واپس گرای «ولایت فقیه»، هزاران کودک بی گناه میهن ما را با فریب و اجبار به روی

ادامه در صفحه بعد



## زندگی کودکان در جهان سرمایه داری

میدان های مین فرستادند، تا هم به رویاهای عظمت طلبانه خود واقعیت بخشد. در جریان جنگ موسوم به جنگ خلیج فارس، هنگامی که جورج بوش، آقای واشنگتن را به جهانیان دیکته می کرد، هزاران کودک معصوم عراقی قربانی آغاز «نظم نوین جهانی» امپریالیسم شدند.

به دستور امپریالیسم، باند جنگ افروز اونیتا، هزاران کودک آنگولایی را در جنگ با دولت مرکزی منتخب مردم به کام مرگ فرستاد.

هم اکنون نیز در سایه «نظم نوین جهانی» و فرمانفرمایی آمریکا، کودکان عراق و هزاران کودک کوبایی به دلیل محاصره غیر انسانی کشورهایشان از تغذیه و بهداشت مطلوب محرومند.

براساس آمار سازمان خواربار جهانی (فائو) کودکان در عراق بر اثر محاصره از نظر غذا و بهداشت شرایط ناگواری دارند. بیش از نیم میلیون کودک عراقی در گرسنگی بسر می برند. محاصره اقتصادی عراق به فقر و نیستی مردم و به ویژه کودکان منتهی شده در حالی که به تحکیم پایه های حکومت دیکتاتوری صدام کمک کرده است.

گذشته از موارد ذکر شده، وضعیت کودکان در سایر عرصه ها نیز وخیم می باشد. براساس گزارش های متعدد یونسف در سال ۱۹۹۴، ۲۵ درصد مادران در کشور آفریقایی اوگاندا ویروس ایدز را به کودکان خود منتقل کرده اند. بین ۱/۴ تا ۲/۷ میلیون کودک اوگاندایی در آینده بر اثر ابتلا به بیماری مهلک ایدز خواهند مرد!

رژیم تبهکار فقها در مین ما نیز، در لایحه بودجه سال جاری خورشیدی، به علت ورشکستگی مالی و بحران زرف اجتماعی - اقتصادی، از اختصاص بودجه ای مستقل در ارتباط با بیماری های واگیر صرف نظر کرده است. به گفته مدیر کل بیماری های واگیر وزارت بهداشت جمهوری اسلامی، «علی رغم درخواست مکرر، دولت هیچ بودجه و اعتباری برای مبارزه و آزمایش بیماری ایدز در نظر نگرفت». این نوع سیاست، در کشور ما که به لحاظ سقوط سطح زندگی مردم و گسترش فقر، بهداشت و درمان همگانی در شرایط نازکی قرار دارد، اثرات منفی و زیانبار با پیامدهای فاجعه بار، به ویژه در مورد کودکان، به بار خواهد آورد.

از سوی دیگر، طبق آماري که سازمان ملل متحد منتشر ساخته است. در جهان در هر ثانیه ۶ کودک بر اثر گرسنگی می میرند.

تنها در سال ۱۹۸۶، ۱۳/۵ میلیون کودک در کشورهای جهان سوم به دلیل عدم دسترسی به امکانات بهداشتی، درمانی و سوء تغذیه و گرسنگی جان سپرده اند! و این در حالی است که سالیانه صدها و هزاران تن مواد غذایی، فرآوردهای شیر، دارو، گندم و غلات از سوی اتحادیه اروپا (بازار مشترک سابق) و آمریکا برای حفظ تراز بازرگانی، بالا بردن قیمت و... به ژرفای اقیانوس ها ریخته می شوند و یا در انبارها و سردخانه ها نگاهداری و بعضا فاسد می شوند.

به علاوه، دولت های سرمایه داری پیشرفته، هر ساله میلیاردها دلار صرف بازسازی، مدرن سازی، تولید و نگاهداری جنگ افزارهای گوناگون می کنند، نمونه فرانسه در آزمایشات هسته ای اخیر که

مبالغ هنگفتی صرف آن شد گویاترین نمونه در این زمینه است.

هر ساله میلیاردها دلار هزینه برای حفظ و آمادگی رزمی و تخصصی پیمان تجاوزکار ناتو خرج می شود. که خود یکی از پایه های بی ثباتی جهان امروز است. با بخشی از این میلیاردها و فقط بخشی از آن، می توان جان میلیون ها کودک را از مرگ حتمی نجات داد و آینده آنها را تضمین کرد.

فروش اعضای بدن، پوست و خون کودکان به یکی از پرسودترین تجارت های امروزی تبدیل شده است: محافل و مراکز پرنفوذ در اروپای غربی و آمریکا خریداران ثابت و پنهان این کالاهای پرسود و کم یاب می باشند!

گزارش تکان دهنده پلیس بین المللی - اینترپول - در سال گذشته وجدان جامعه بشری را لرزاند. بخش مهمی از این گزارش به کودکان اختصاص داشت. گزارش فوق از جمله می گوید: «... کودکان برزبلی را در خیابان های شهرهای مختلف برزبیل، چون سنگ های ولگرد می کشند. این یک کشتار وسیع است... اعضای بدن مانند؛ کلیه، قلب، چشم، پوست بدن کودکان و از همه مهمتر پلاسمای خون آنها خرید و فروش می شود...»!

علاوه بر اینها نوع دیگری از نقض حقوق کودکان در جهان امروز به طرز چشمگیری افزایش و رواج یافته است و آن تجاوز و سوء استفاده جنسی از کودکان است که طبق کنفوانسیون حقوق کودک به شدت منع و غیر قانونی شمرده شده است. به گزارش یونسف، بهره کشی جنسی از کودکان در ناپلند، سری لانکا، مکزیک، کانادا و فیلیپین... ابعاد فاجعه آمیزی به خود گرفته است. صدها کودک بی گناه برای ارضاء حس جنسی توریست ها خرید و فروش می شوند. یونسف اعلام کرده است که این اقدام «تجاوز و بهره کشی جنسی، چهره تمدن انسانی را آلوده ساخته».

باند های قاچاق دختر بچه های ۹ تا ۱۲ ساله در افغانستان، عراق، سوریه، ترکیه و ایران... بسیار فعال هستند. سالیانه دهها دختر بچه ۹ تا ۱۲ ساله به شکل قاچاق از این کشورها به شیوخ جنوبی خلیج فارس فروخته می شوند. به عنوان نمونه، چندی پیش مطبوعات مجاز دولتی جمهوری اسلامی گزارش دادند که یک باند «فحشا و قاچاق» توسط نیروهای انتظامی در کرمانشاه دستگیر شده اند. افراد این باند، دختران خردسال را برای فروش، خریداری و یا به شیوه های دیگر به دام می انداختند و سپس در شیخ نشین های خلیج فارس می فروختند. چنین شبکه های «برده فروشی» نوین در خاور میانه و به تازگی در کشورهای آسیای میانه فعال هستند.

در جهان امروز، زندگی کودکان بر اثر تولید گسترده اسباب بازی های جنگی و فیلم های جنایی، جنبه خطرناک به خود گرفته است. در آمریکا، تنها در سال ۱۹۹۳، ۳ میلیارد و هشتصد میلیون دلار هزینه ساختن اسباب بازی های جنگی با کاربرد خشونت بار شده است. این رقم در سال ۱۹۹۴، ۱/۵ برابر افزایش داشته است. یک پژوهشگر آمریکایی اعلام کرده است که: «... هر کودک آمریکایی تا ۱۸ سالگی، ۲۰۰،۰۰۰ فیلم خشونت بار در تلویزیون تماشا می کند که شامل ۴۰،۰۰۰ قتل و آدم کشی است». در اتحادیه اروپا، وضع بهتر از آمریکا نیست. افزایش جرایم و بزهکاری در میان کودکان و نوجوانان به سرعت در اتحادیه اروپا سیر صعودی پیدا کرده

است. تحدید و کاستن از هزینه های سیستم تامین اجتماعی و بودجه های مربوط به رفاه اجتماعی به ویژه در ارتباط با کودکان، دامنه وسیع یافته و موجب حرکات اعتراضی محافل مدافع حقوق کودک و نیروهای مترقی و چپ شده است.

زندگی کودکان در کشورهای سوسیالیستی سابق نیز، که روزی کودکان در این جوامع از تضمین های حقوقی معتبر و ثابت و حمایت قاطع اجتماعی و دولتی برخوردار بودند، رو به وخامت گذارده است. کودکان که در اتحاد شوروی سابق و دیگر کشورهای اروپای شرقی، به عنوان حاکمان واقعی محسوب می شدند و از رشد، تحصیل و آینده مناسب و بهداشت رایگان به نحو شایسته برخوردار بودند، با آینده نامشخص روبرو شده اند. صدها کودک متکدی در خیابان های مسکو، کیف، مینسک، ورشو و بخارست سیمای ضد انسانی سیستم سرمایه داری را برای این کشورها، پس از تحولات سال های اخیر به نمایش می گذارد. باندهای مافیایی در اتحاد شوروی سابق و اروپای شرقی در زمینه قاچاق مواد مخدر، کودکان را به وسیله ای برای کسب سود تبدیل کرده اند. جرم و تخلف در میان کودکان این کشورها، سلامتی و آینده جامعه را تهدید می کند. امروزه در جهان، نقض حقوق شناخته شده کودکان ابعاد بزرگی یافته است. چهره کره سرمایه داری که هر چیزی، به جز سود و ثروت به هر شکلی و از هر راهی، برای آن بی اعتبار و ساقط است، به ویژه در رفتار با کودکان نمایان است.

در مین ما نیز، تحت حکومت فقها، کودکان قربانیان بی گناه، خیانت و تاریک اندیشی، سران رژیم هستند. فقر و عدم دسترسی به امکانات تحصیلی و بهداشت و آموزش، سرنوشت کودکان ایران را در خطر جدی قرار داده است.

حزب ما، نخستین سازمان سیاسی کشور است که در راه تحقق حقوق کودکان در ایران مبارزه کرده است و مسایل و خواست های مادران و کودکان را طرح و در راه آنها پیگیرانه پیکار کرده است.

حزب توده ایران، خواستار تحول بنیادین جامعه می باشد، تحولی که در آن به بهترین و مترقی ترین شکل ممکن، حقوق کودکان و مادران به رسمیت شناخته شده و مورد حمایت قانونی و مدنی قرار گیرد. منع کار کودکان و تامین آموزش و بهداشت آنها و سلسله قوانین در حمایت از حقوق کودکان، تضمین آینده و سعادت آنها از الویت های مهم مبارزاتی حزب توده ایران بوده و هست.





## جناح رسالت اقدامات سرکوبگرانه خود را تشدید می کند!

این جناح می کوشد با طرح اینگونه شعارها، فشار بر رقیب را افزایش دهد و امتیازات بیشتری از حریف نیرومند شده در «انتخابات» اخیر بگیرد. با این ترفند، جناح رسالت از هم اکنون به موفقیت هایی (نظیر تعطیل شدن نشریه «بهمن») نیز دست یافته است. از دیگر هدف های جناح رسالت در این عرصه، قبضه مسؤلیت های اصلی مجلس پنجم، به دست گرفتن اکثریت ترکیب هیأت رئیسه مجلس، تأثیرگذاری بر ترکیب دولت آتی و فراهم آوردن زمینه های لازم برای تضمین پیروزی در «انتخابات» ریاست جمهوری از طریق اعمال فشار و به تسلیم واداشتن رقیب است.

دومین عرصه، تقابل با مردم (و به ویژه زنان) و نیروهای سیاسی دگراندیش است. جناح رسالت برای انتقام گیری از مردمی که با به صورت عدم شرکت در «انتخابات» و یا خودداری از دادن رأی به نمایندگان این جناح، مخالفت خود را با رژیم حاکم و به ویژه جناح رسالت به شکلی بی سابقه به نمایش گذاشتند، به اشکال گوناگون وارد عمل شده و بیش از هر زمان دیگر، برده از چهره قشری و زن ستیز و گرایشات به غایت عقب مانده خود برداشته است. در رابطه با نیروهای سیاسی - مذهبی دگراندیش نیز، جناح رسالت، که شاهد روی آوری قابل توجه مردم به این نیروها بود، علاوه بر ابطال «انتخابات» مرحله اول در چند شهر، دست به اقدامات مشخصی نیز در طول فعالیت های مرحله دوم «انتخابات» می و پس از آن زد.

فشرده ای از اعمال سیاه این جناح در عرصه تقابل با مردم و نیروهای دگراندیش سیاسی - مذهبی ماهیت واقعی هدف های آن را روشن می کند:

- حمله گروه های اوباش تحت عنوان «انصار حزب الله» به مجتمع ورزشی چیتگر تهران و کتک زدن زنان دوچرخه سوار در این مجتمع ورزشی، استقرار کمیته به اصطلاح «امر به معروف» و دادگاه ویژه در محل به منظور محاکمه فوری «متخلفین»؛
- حمله این گروه های شبه فاشیستی به دو سینما در تهران و کتک زدن مردم در

حین نمایش فیلم:

- سازمان دادن تظاهرات این گروه ها در تهران و قم علیه «بدحجابی»؛
- صدور فتوا توسط ۵ تن از آیات وابسته به جناح رسالت در رابطه با ورزش زنان؛
- تصویب یک «تبصره قانونی» برای مجازات زنان و دخترانی که «حجاب اسلامی را رعایت نکنند»؛

• بورش شبانه ده ها نفر از بسیجیان به دفتر روزنامه «سلام» و تحمیل چاپ اطلاعیه «انتخابات» می فرمانده بسیج منطقه شرق تهران به این روزنامه؛

- بورش «انصار حزب الله» به دانشگاه صنعتی امیرکبیر تهران (بلی تکنیک سابق) و زدو خورد چند ساعته آنان با دانشجویان دانشگاه (این اقدام در صبح روز ۲۳ اردیبهشت، که قرار بود دکتر سروش به دعوت «انجمن اسلامی دانشجویان» در آن دانشگاه سخنرانی کند، انجام گرفت).

با اینکه جناح رسالت مجموعه اقدامات خود در سطح جامعه را زیر پوشش واحد و تحت عنوان مبارزه با «لبرالیسم» و «تهاجم فرهنگی غرب» به پیش می برد، اما نگاهی گذرا به رویدادها، تفاوت ماهوی برخورد این جناح در دو عرصه پیش گفته را روشن می سازد. در حالی که در عرصه اول تکیه جناح رسالت عمدتاً بر فشارهای تبلیغاتی و بازی های پشت پرده است، در عرصه دوم، جنبه سرکوبگرانه وجه غالب اقدامات این جناح را تشکیل می دهد.

همان طور که نمونه های بالا نشان می دهد، جناح رسالت، آشکارا، هدف ارباب مردم و نیروهای سیاسی، به ویژه نیروهای سیاسی - مذهبی دگراندیش، را به منظور خارج کردن آنها از صحنه سیاسی کشور دنبال می کند. به میدان آوردن بخشی از نیروهای بسیجی در دو روز آخر مرحله دوم «انتخابات» و سخنرانی صریح ناطق نوری در «تشرک» از این نیروها و تشویق آنها با ادامه «حضور هوشیارانه» در صحنه، نشانگر آمادگی جناح رسالت برای تشدید اقدامات سرکوبگرانه خود در سطح جامعه است.

اما بحران اقتصادی - اجتماعی از طرفی، و جو سیاسی حاکم بر کشور و آمادگی بیشتر مردم برای تشدید مبارزات خود از طرف دیگر، موفقیت جناح رسالت را به طور جدی مورد تردید قرار می دهد. آمادگی مردم را، که از جمله در مقاومت فزاینده زنان در دفاع از حقوق خود و در تشدید مبارزه جویی نیروهای سیاسی - مذهبی دگراندیش انعکاس می یابد، می توان به خوبی در مقاومت چندین ساعته دانشجویان دانشگاه صنعتی امیرکبیر تهران، که با هدایت و رهبری «انجمن اسلامی دانشجویان» و در تقابل مستقیم با «انصار حزب الله» صورت گرفت، مشاهده کرد.

آنچه که هشیاری مردم و نیروهای مترقی را می طلبد، درک سیاست جناح رفسنجانی در شرایط کنونی است. این جناح از یک طرف، در حالی که به شکلی «مظلومانه» حالت دفاعی به خود گرفته است، علی رغم قدرت مهم و موثر اجرایی خود هیچگونه اقدامی در جهت متوقف کردن اقدامات شبه فاشیستی جناح رسالت علیه مردم

به عمل نمی آورد. و از طرف دیگر، با بیان موضع گیری های «دموکرات منشانه» از زبان رفسنجانی و سایر همراهان او سرگرم معرفی رفسنجانی به عنوان حامی اصلی راه اندازی طرح های کوچک و بزرگ اقتصادی و شناساندن او به عنوان «سردار سازندگی» است. جناح رفسنجانی در واقع به صورتی زیرکانه در صدد بهره گیری از تشدید ناراضی مردم و سوار شدن فرصت طلبانه بر موج مبارزاتی آنها است.

موج تازه گرانی که بلافاصله پس از پایان مرحله اول «انتخابات» آغاز شد، یک بار دیگر عملکرد مشترک هردو جناح را در وخیم تر کردن روزافزون زندگی اقتصادی زحمتکشان آشکارا نشان داد. افزایش رسمی قیمت انواع کالاها توسط ارگان های وابسته به دولت هاشمی رفسنجانی، همراه با دامن زدن به موج گرانی در جامعه از سوی بازاریبان پشتیبان جناح رسالت، در کنار عملکرد مشترک ۷ ساله هردو جناح در پیاده کردن دستورالعمل های صندوق بین المللی پول و بانک جهانی تحت عنوان «سیاست تعدیل اقتصادی»، جای کوچکترین تردیدی در ماهیت عملکرد جناح رفسنجانی نمی گذارد.

این جناح به دو دلیل عمده، طی ماه های اخیر خود را بیش از هر زمانی طرفدار برقراری «دموکراسی» و «فضای باز» در جامعه نشان می دهد. نشان دادن یک چهره مورد پسند افکار عمومی غرب، و مهم تر از آن، مورد قبول مردم میهن ما، برای بهره گیری از نیروی آنها جهت به عقب راندن رقیب قدرتمندتر انجام می گیرد. در واقع جناح رفسنجانی مجبور است، تا آنجا که از جنبش توده ای احساس خطر نکند، به «فضای باز» تن در دهد. درک ماهیت فریبکارانه این «دموکرات نمایی» جناح رفسنجانی توسط نیروهای مردمی و مترقی، آنها را قادر می سازد تا ضمن استفاده از فضای که رقابت میان دو جناح حاکم، برای پیشبرد مبارزات مردم ایجاد می کند، با افشاگری بیش از پیش جناح رفسنجانی، توده ها را برای اقدام علیه هردو جناح ارتجاعی و عوام فریب درون حاکمیت بسیج نمایند.

### ادامه: اخبار جهان

های نظامی روسیه با ارمنستان به نفع عالی ترین منافع همه کشورهای کنفدراسیون کشورهای مستقل می باشد. گراچف گفت که قرارداد های امضاء شده امکان برنامه ریزی استقرار نیروهای نظامی دو کشور را، در صورتی که شرایط طلب کند، مهیا کرده است.

لئون تر بطروسیان، رئیس جمهور ارمنستان، در پایان دیدار خود از چین، روز ۱۷ اردیبهشت در مسکو، با بلتسین و ویکتور چرنومیردین، نخست وزیر این کشور در مورد روابط دو جانبه و درگیری های قره باغ به گفتگو نشست. یوگنی پریماکوف، وزیر امور خارجه روسیه روز ۱۸ اردیبهشت برای حصول حتی یک پیشرفت کوچک در جهت حل و فصل سیاسی درگیری های قره باغ به باکو و ایروان مسافرت کرد. به دنبال توافق بین آذربایجان و ارمنستان و رهبری «جمهوری» خود خوانده ناگورنی قره باغ در مورد مبادله همه زندانیان جنگی، پریماکوف ۳۴ زندانی ارمنی و یک زندانی روس را با خود به ایروان بازگرداند. در مقابل، ارمنستان ۱۱ اسیر آذربایجانی را آزاد خواهد کرد.

### تشدید فعالیت های دیپلماتیک - اقتصادی ترکیه در آسیای میانه

در سال ۱۹۹۵ داد و ستد بین ترکیه و ازبکستان بالغ بر ۲۸۰ میلیون دلار بود که در مقایسه با سال قبل یک افزایش ۷۵ درصدی را نشان می دهد. در حال حاضر ترکیه صاحب ۲۰۰ طرح مشترک در ازبکستان می باشد. این اولین بازدید دمیرل در مقام ریاست جمهوری ترکیه از ازبکستان است.

• امام علی رحمانوف، رئیس جمهور تاجیکستان، روز ۱۵ اردیبهشت برای امضای ۹ موافقتنامه دوجانبه شامل توافق در مورد حفاظت متقابل از سرمایه گذاری ها، همکاری های قضایی، ورزشی، توریسم و حمل و نقل به ترکیه مسافرت کرد. بازدید رحمانوف از ترکیه در پاسخ سفر سلیمان دمیرل از تاجیکستان در ماه شهریور صورت گرفت.

تخمین زده می شود که میزان سرمایه گذاری ترکیه در تاجیکستان ۱۵۰ میلیون دلار باشد. نزدیکی ترکیه به تاجیکستان، توضیح دهنده بخشی از کوشش های این کشور برای کسب اعتبار در منطقه آسیای میانه و جبران ناکیدهای چند سال قبل این کشور بر حمایت از اقلیت های ترک در منطقه است. رحمانوف به دمیرل گفت که دوشنبه بطور مشخص و یقین محل دفن جسد ژنرال انور پاشا، عضو برجسته گروه سه نفره بر قدرتی که امپراطوری عثمانی را از ۱۹۰۸ تا زمان سقوط آن در جنگ جهانی اول رهبری نمود، پیدا کرده است. تاجیکستان تعهد کرده است که بقایای جسد انور پاشا را به ترکیه بازگرداند.





**مبارزه علیه قاچاق مواد مخدر**

۱۴ اردیبهشت، در پایان یک سمپوزیوم بین المللی در تاشکند که تحت نظارت سازمان ملل برگزار شد، وزرای پنج کشور آسیای مرکزی یک یادداشت تفاهم برای همکاری های متقابل در مبارزه علیه قاچاق مواد مخدر به امضاء رساندند. کنفرانس، نمایندگان کشورهای آسیای میانه، روسیه، ایالات متحده، انگلیس، ایران، ترکیه، هند و افغانستان... را گرد هم آورد. شرکت کنندگان کنفرانس درباره مشکلات لجستیکی اجرای یک برنامه سه ساله همکاری کشورها در مبارزه با مواد مخدر و نیز طرح های فنی ویژه برای کمک به قطع جریان مواد مخدر در منطقه به بحث و هم فکری پرداختند.

کنفرانس مخصوصا در مورد کانال مواد مخدر که از طریق شهر مرغاب در تاجیکستان، شهر اوش در قرقیزستان و شهر اندیجان در ازبکستان می گذرد، توجه ویژه ای نمود. در کنفرانس یک برنامه سه ساله ۳/۳۸ میلیون دلاری برای مبارزه با مواد مخدر مطرح شد. اسلام کریموف، رئیس جمهور ازبکستان طی سخنانی در کنفرانس به رابطه خرید و فروش اسلحه در افغانستان و درآمد حاصله از مواد مخدر اشاره کرد.

**توافق چین و روسیه**

در پی ملاقات روسای جمهور چین و روسیه در پکن، پلتنین و همتای چینی اش به شانگهای سفر کردند و به رؤسای جمهور قرقیزستان، قزاقستان و تاجیکستان پیوستند. آنان در ۷ اردیبهشت موافقتنامه ای به نام «اطمینان در مناطق سرحدی» امضاء کردند. موافقتنامه خواهان کاهش واحدهای نظامی در طول مرز چین با جمهوری های سابق اتحاد جماهیر شوروی است و مقرر می دارد که کشورهای امضاء کننده مورد حمله یکدیگر قرار نخواهند گرفت و به سازماندهی تمرینات نظامی در طول ۸۰۰۰ کیلومتر مرز مشترک علیه یکدیگر دست نخواهند زد.

چین همچنین موافقتنامه هایی با قزاقستان و قرقیزستان و «دیگر» کشورهایی که مشخص نشد، به امضاء رساند که به موجب آنها با فعالیت های جدایی طلبانه، تروریستی و بنیادگرایانه مذهبی مقابله گردد.

ناظران مطلع معتقدند این توافقنامه در اساس برای مقابله با تحریکات اقلیت مسلمان اویغور در «سین زیان» طرح شده است. قزاقستان اعلام کرده است که مخالف دامن زدن به هرگونه تمایلات ناسیونالیستی در «شمال غربی» چین می باشد. چین اخیرا انتشار بدون مجوز رسمی کتاب ها و نوارهای مذهبی اسلامی را غیر قانونی اعلام کرد.

**تیواندازی به سوی سربازان روسی از ترکیه**

به گزارش خبرگزاری فرانسه، در هفته اول اردیبهشت برای سومین بار در هفته های اخیر از مرز خاک ترکیه به سوی سربازان روسی که از مرز ارمنستان و ترکیه حفاظت می کنند، آتش گشوده شد. این رخدادها ممکن است در ارتباط با جنگ ادامه یابنده بین ترکیه و نیروهای کرد استقلال طلب باشد که در قارس، ناحیه ای از ترکیه که همسایه ارمنستان است، پایگاه دارند. در ۶ اردیبهشت، ترکیه بار دیگر منطقه مرزی با ارمنستان را یک ناحیه نظامی اعلام کرد. در همین رابطه ۱۲ اردیبهشت پاول گراچف، وزیر دفاع روسیه از ایروان بازدید کرد و چندین موافقتنامه همکاری نظامی شامل پروتکل برنامه ریزی و تمرین های نظامی مشترک و همکاری در دفاع هوایی به امضاء رساند. پاول گراچف در سخنانی که از تلویزیون روسیه پخش می شد گفت که همکاری

ادامه در ص ۶

**مراسم روز جهانی کارگر، اول ماه مه، در کشورهای مختلف**

● روسیه - دهها هزار از فعالان کارگری کشور در دو مراسم جداگانه به مناسبت اول ماه مه در مرکز مسکو رژه رفتند. یکی از آنها توسط اتحادیه های کارگری رسمی سازمان داده شده بود و از سوی مقامات شهری مسکو حمایت می شد. دیگری که بسیار بزرگ تر بود خیابان های مسکو را غرق پرچم های مزین به داس و چکش کرد و به تظاهراتی علیه سیاست های دولت بدل گردید. پلتنین که تاکنون به مراسم اول ماه مه به عنوان پدیده ای که نشان از شوروی سابق دارد، بی اعتنایی می کرد، به طور غیر منتظره ای در مراسم شرکت کرد و مردم مسکو را فراخواند که از او در انتخابات خرداد ماه حمایت کنند. او در این مراسم که قریب ۷۰۰ تن از اعضای اتحادیه های کارگری و خانواده آنان شرکت داشتند شعار داد: «زنده باد اول ماه مه، روز تعطیل بهاری و کارگران - زنده باد بهار تغییرات در روسیه که پس از سال های طولانی سکون و رخوت به وقوع پیوست.»! کاملا مشخص بود که ملاحظات انتخاباتی پلتنین را به خیابان و به میان کارگران کشانده است. پلتنین که از تنفر و خشم کارگران نسبت به خود و سیاست هایش آگاه است گفت که دولت چک حقوق عقب مانده کارگران را ارسال کرده است ولی گویا نیروهای هوادار کمونیست ها و مقامات فاسد محلی از پرداخت آنها جلوگیری می کنند. در گردهمایی سازمان داده شده از سوی ائتلاف احزاب چپ در حدود صد هزار نفر شرکت کردند و کاندیدای حزب کمونیست در انتخابات ریاست جمهوری در آن سخنرانی کرد. زیوگائف خطاب به جمعیت گفت که اگر انتخابات آزاد و عادلانه باشد پیروزی او قطعی است وی با اظهار نگرانی از احتمال دستکاری در پروسه انتخابات و با اشاره به تعویض نتایج فراندوم قانون اساسی در سال ۱۹۹۳ گفت: «ما می بایست تمامی نیروهایمان را برای نظارت بر شمارش آراء در هر شهر، بخش و روستاها بسیج کنیم... ما با مقامات و دیگر نیروها برای حصول توافق در مورد یک گذار قدرت با نظم صحبت خواهیم کرد... کمونیست ها علیه جنگ و در دفاع از

صلح، حقوق کارگران و شرافت، شان و مقام کشور سخن گفته اند.»  
● کوبا - قریب یک میلیون تن از مردم کوبا در حالی که پرچم های سرخ و تصاویر قهرمانان انقلابی را حمل می کردند در بزرگداشت اول ماه مه در خیابان های هاوانا به راهپیمایی پرداختند. پدرو راس، رهبر جنبش سندیکایی کوبا، مراسم را با شعار «یا سوسیالیسم یا مرگ، یا میهن یا مرگ، ما پیروز خواهیم شد.» آغاز کرد. راهپیمایان در صفوف ۶۰-۵۰ نفری از مقابل جایگاه فیدل کاسترو رهبر کوبای انقلابی و دیگر رهبران در کاخ انقلاب رژه رفتند. گردهمایی ماه مه امسال به تظاهراتی علیه قانون «هلمس - برتون» که ماه گذشته از سوی ایالات متحده جهت ممانعت از سرمایه گذاری های خارجی در کوبا تصویب گردید، بدل شد. در سخنانی که نمایشگر اراده مردم کوبا به ادامه مبارزه بود، رفیق کاسترو خطاب به فعالان سندیکایی کمونیست گفت سوسیالیسم در کوبا از هر زمان دیگری قدرتمندتر است. «ما از این جشنود هستیم که انترناسیونالیست خوانده شویم، سوسیالیست خوانده شویم، کمونیست خوانده شویم». این سخنان و جو موجود حاکی از بازافتن اطمینان به غلبه بر مشکلات می باشد. در جریان کنگره اتحادیه های کارگری کوبا که به طور همزمان برگزار می شد، ۱۹۰۰ فعال و رهبر سندیکایی کوبا حمایت خود را از دستاوردهای انقلاب کوبا و اقدامات دولت سوسیالیستی برای غلبه بر توطئه های امپریالیستی به نمایش گذاردند. قطعنامه های بایانی کنگره اعلام کردند که دارایی ها (سرمایه، ملک...) و سیستم توزیع سوسیالیستی باید در درجه اول اهمیت در کوبا باشند. رفیق کاسترو در سخنرانی خود قول داد که از طریق مالیات بستن به شرکت های خصوصی جدیدالتأسیس سعی در جلوگیری از تأثیر منفی و مخرب پول که از سوی برخی ها انباشت می شود، خواهد کرد. او خطاب به تجار کوبایی اضافه کرد: «ما هیچ چیزی علیه آنها نداریم. آنچه ما می خواهیم

اینست که آنها مملکت را نچایند.»  
● ترکیه - پلیس ترکیه در استانبول بر روی تظاهرات اول ماه مه، که از سوی سازمان های چپ و فعالین و اتحادیه ای سازمان داده شده بود، آتش گشود و دو نفر را به قتل رساند و تعداد زیادی را زخمی کرد. خشونت از آنجا آغاز شد که پلیس سعی کرد به تفتیش بدنی مردمی که برای شرکت در مراسم رسمی اول ماه مه جمع شده بودند. بپردازد. رگبار مسلسل عناصر شناخته شده کشته و صدها نفر زخمی شدند. مراسم اول ماه مه را ممنوع کرد. این ممنوعیت در سال ۱۹۸۹ لغو شد.  
● اسپانیا - تظاهرات اول ماه مه در اسپانیا به صحنه مبارزه جوی اتحادیه های کارگری در تقابل با طرح های مونتاریستی و ضد کارگری دولت دست راستی تبدیل شد. هر دو فدراسیون اتحادیه های کارگری کشور، یعنی کمیسیون های کارگری و اتحادیه عمومی کارگران، نخست وزیر جدید خوزه ماریا آنزار را فراخواندند مذاکراتی را که طی کارزار انتخاباتی اش قول داده بود، آغاز کند و به او اخطار کردند که آنها علیه هرگونه کاهشی در حقوق اجتماعی مبارزه خواهند کرد. «کاندیدومندز»، رهبر اتحادیه عمومی کارگران در پایان تظاهرات در مادرید گفت: «دولت جدید باید کاملا آگاه باشد که اتحادیه ها هیچگونه کاهشی را در سطح تأمین اجتماعی قبول نخواهند کرد». او اخطار کرد که هرگونه کاهشی در آموزش، بهداشت، حقوق بیکاری و حقوق بازنشستگی به برخورد منجر خواهد شد. «آنزار» بلافاصله پس از پیروزی انتخاباتی حزب «مردمی» خود در انتخابات ۱۳ اسفند قول داد که به منظور توافق بر سر ایجاد اشتغال، گفتگوهایی را با اتحادیه ها آغاز کند. لیکن بیش از ۲ ماه پس از انتخابات، او تاکنون به جای جامعه عمل بوشاندن به این قول خود، به گفتگو و مذاکره با احزاب منطقه ای جهت جلب حمایت آنها برای دولت اقلیت حزب «مردمی» پرداخته است.



# کشمکش های اروپا و آمریکا در مورد تحریم اقتصادی ایران

## برسر چیست؟

رسانده بود. در این نامه، به کنگره آمریکا هشدار داده شده بود که «اگر این طرح [اشاره به طرح محاصره اقتصادی ایران و لیبی] ... جنبه قانونی پیدا کند، اتحادیه اروپا ناگزیر خواهد بود که از طریق مجامع چندملیتی، برای حفظ منافع بازرگانی اروپا اقدام کند».

نکته اساسی و بسیار گویا در این رابطه این است که علی رغم مخالفت صریح اتحادیه اروپا با سیاست تحریم آمریکا علیه ایران، لیبی و کوبا، این اتحادیه همچنان علناً خود را شریک استراتژیک امپریالیسم آمریکا برای اعمال سلطه مطلق جهان غرب بر کشورهای جهان اعلام می کند. شاهد غیر قابل انکار این مسأله، اطمینان خاطری است که «لئون برتین» در همین نامه خود به کنگره آمریکا داده است. او در این نامه می نویسد: «ما همه در این موضوع اتفاق نظر داریم که در برخورد با ایران و لیبی باید به صورت یکپارچه عمل کنیم. ما در زمینه حقوق بشر [!!!]، و مهم تر از همه، جلوگیری از اشاعه سلاح های اتمی [!!!] نگرانی های مشترکی داریم و در مخالفت با خشونت و تروریسم دولتی [!!!] همداستان و متحد هستیم. با اینهمه معتقدیم که این قانون کمکی به تحقق هدف ها و نتایجی که مطلوب ما است نمی کند».

کسانی که کمترین شناختی از زبان سیاسی دولت های امپریالیستی دارند، معنای واقعی این عبارات را به خوبی درک می کنند. آقبای «برتین» در این نامه کوشیده است تا ضمن دفاع از منافع اقتصادی ویژه دولت های امپریالیستی اروپا در رقابت با آمریکا، به این دولت اطمینان دهد که این مخالفت تنها از دیدگاه رقابت های اقتصادی میان کشورهای امپریالیستی مطرح است و به هیچ وجه به معنای مخالفت اروپا با استراتژی مشترک آنها، یعنی تحمیل «نظم نوین جهانی» به کشورهای جهان، نیست. تنها هشدار اتحادیه اروپا به دولت آمریکا این است که اتخاذ چنین سیاست های افراطی هیچ «کمکی به تحقق هدف ها و نتایجی که مطلوب ما است [بخوان: تأمین کنترل کامل امپریالیسم بر این کشورها] نمی کند». به عبارت دیگر، اختلاف نظر اتحادیه اروپا با دولت آمریکا، جدا از مسأله سهمی که هریک از آنها برای استثمار کشورهای جهان سوم برای خود قائلند و آن را از دیگری طلب می کنند، نه برسر هدف، بلکه برسر چگونگی تحمیل «نظم نوین جهانی» به این کشورها است.

«کلاوس کینکل»، وزیر خارجه آلمان، جوهر این اختلاف نظر برسر شیوه ها را چنین بیان می کند: «ما در روابط خود با ایران دیدگاهی متفاوت از آمریکا را

شورای وزیران خارجه اتحادیه اروپا، که در اواخر آوریل گذشته در لوکزامبورگ تشکیل جلسه داد، بیانیه ای را در مورد محاصره اقتصادی کوبا، ایران و لیبی به تصویب رساند که متن آن به شرح زیر است:

«شورا با نگرانی عمیق بیامدهای فوق مرزی لایحه جدید کنگره آمریکا را، که به احتمال قوی بر روابط بازرگانی دو سوی اقیانوس اطلس تأثیر خواهد داشت مورد توجه قرار داد و راههای مناسب برای اهترزاز از صدمات ناشی از آن به شرکت های اتحادیه اروپا، به سرمایه گذاری های آنها در آمریکا، و به شرکای تجاری آمریکایی آنها، را بررسی کرد.

«شورا قانون آزادی کوبا و همبستگی دموکراتیکی را که اخیراً توسط دولت آمریکا به مرحله اجرا گذاشته شده است مورد مطالعه قرار داد.

«شورا تأسف و دلسردی عمیق خود را نسبت به این لایحه، که به نظر ما قوانین بین المللی را نقض می کند و به حقوق و منافع اتحادیه اروپا در بخش های تجارت و سرمایه گذاری آسیب می رساند، ابراز می دارد. شورا از متخصصان در این امر دعوت کرد تا همه راههای ممکن برای اقدام بعدی اتحادیه اروپا را در دفاع از حقوق خود، چه از طریق «سازمان بین المللی تجارت» و چه از طرق دیگر، از جمله امکان دست زدن به اقدامات متقابل، طرحریزی کنند.

«شورا به این نتیجه رسید که طرح قانون محاصره اقتصادی آمریکا علیه ایران و لیبی نیز به واسطه بیامدهای فوق مرزی آن سؤال برانگیز است. در این رابطه، شورا از مقامات آمریکایی خواست که از اتخاذ هر سیاستی که قوانین بین المللی را نقض می کند و بر حقوق و منافع اتحادیه اروپا اثر منفی می گذارد، پرهیز کنند. شورا از متخصصان اتحادیه اروپا در این عرصه خواست که امکانات موجود برای اقدام احتمالی اتحادیه اروپا را در صورت نیاز به چنین اقدامی مورد بررسی قرار دهند.

«بالاخره، شورا بر اثرات منفی که این سیاست ها می توانند بر رشد هماهنگی گفت و گوهای متقابل و همچنین بر بازرگانی در دو سوی اقیانوس اطلس بگذارند تأکید ورزید. شورا به این توافق رسید که اتحادیه اروپا باید در گفت و گوهای دو سوی اقیانوس اطلس برای پافشاری روی این مسأله همچنان اهمیت درجه اول قابل شود».

طبق گزارش نشریه «ایران تایمز»، جاب آمریکا، پیش از صدور این بیانیه، «لئون برتین»، معاون کمیسر اروپا نیز طی نامه ای خطاب به کنگره آمریکا، مخالفت و نارضایتی کشورهای اتحادیه اروپا را در مورد تصویب چنین قوانینی به اطلاع دولت آمریکا

دنبال می کنیم. ما از سیاست دیالوگ بیروی می کنیم. با سیاست گفت و گو و دیالوگ بسیار بیشتر از سیاست سکوت می توان به نتایج مطلوب دست یافت». تجربه سال های اخیر نیز این گفته وزیر خارجه آلمان را تأیید می کند. دولت های آلمان، فرانسه، انگلستان و ایتالیا با استفاده از همین شیوه «گفت و گو و دیالوگ» با رهبران جمهوری اسلامی، و به ویژه با جناح رفسنجانی، توانسته اند به قراردادهای مالی و تجارتي جرب و نرمی با رژیم ایران دست پیدا کنند و اکنون حاضر نیستند این امتیازات را به خاطر تندروی های حاکمیت آمریکا از دست بدهند.

چنین به نظر می رسد که دولت های امپریالیستی اروپا همچنان چاره اوضاع نگرانی آور کنونی را در حفظ و تقویت جناح رفسنجانی در درون حاکمیت جمهوری اسلامی جستجو می کنند و دولت آمریکا، که امید خود را به توانایی جناح رفسنجانی در کنترل اوضاع از دست داده است، می کوشد تا با استفاده از شیوه های مستقیم تر و خشن تر محاصره اقتصادی و تشدید سرکوب داخلی توسط جناح های هوادار خود، اوضاع داخلی ایران را پیش از اینکه فرصت از دست برود، به زیر کنترل درآورد.

جدا از اینکه کدامیک از این شیوه ها موفق تر عمل کند، نتیجه نهایی آن بازگرداندن ایران به شرایط پیش از انقلاب بهمن ۵۷، و تضمین بلامنازع سلطه امپریالیسم بر ایران خواهد بود. و این هشدار است جدی به همه نیروهای مردمی و پیشرو ایران که در راه دست یابی به آرمان های تحقق نیافته انقلاب بزرگ مردم ایران مبارزه می کنند.

**مسائل بین المللی**  
**شماره ۷**  
**منتشر شد!**

**کمک های مالی رسیده**

رفیقی از ونکوور ۴۰ مارک  
به یاد رفیق شهید علی شناسایی ۴۰ یوند

**آدرس:** لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany

2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK

**NAMEH MARDOM-NO:480**

Central Organ of the Tudeh Party of Iran

<http://www.demon.co.uk/mardom/tudeh.htm>

21 MAY 1996

شماره فاکس و

تلفن پیام گیر ما

۰۰ - ۴۹ - ۳۰ - ۳۲۴۱۶۲۷

**حساب بانکی ما:**

نام  
IRAN e. V.  
شماره حساب  
790020580  
کد بانک  
10050000  
بانک  
Berliner Sparkasse